

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه پنجم اردی بهشت ماه ۱۳۲۳ *

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - مذاکره راجع بدستور
- ۳ - طرح گزارش مربوط بنمایندگی آقای یمین اسفندیاری
- ۴ - اعلام اسامی دو نفر ناظر منتخبه جهت نظارت ذخیره اسکناس
- ۵ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و ربع پیدش از ظهر بریاست آقای امیرتیمور (نایب رئیس) تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه سوم اردی بهشت ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

با اجازه ایشان موافقت خواهد شد . آقای دکتر کشاورز .
دکتر کشاورز - بنده راجع دیر آمدگان بدون اجازه اسم برده بودند آقایان لابد در نظر دارند که بنده یکی از اولین کسانی بودم که عرض کردم که در ساعت مقرر در مجلس شورای ملی جلسه باید تشکیل شود و وقت آقایان نمایندگان تلف نشود. تصور میکنم ملاک دیر آمدگی ورود نمایندگان بصحنه مجلس و سرسرای مجلس است خیال میکنم که قاعده این است ولی تابحال جز امروز که يك جلسه خصوصی تشکیل شد سایر روزها آقایان نمایندگان کاری نداشتند انجام بدهند در سرسرایمیزدند از نظر عمومی مجلس شورای ملی بنده میخواهم عرض بکنم که همان ساعتی را که تعیین

نایب رئیس - آقای امینی در صورت مجلس نظری دارید؟
امینی - بله میخواهم عرض بکنم که آقای دکتر مصدق اولاً کسالت دارند و بوسیله خود بنده پیغام داده اند و بعلاوه چون حقوقشان را بوسیله آقای دکتر معظمی تقدیم کتابخانه مدرسه حقوق کرده اند این البته خسارتی بکتابخانه مدرسه حقوق وارد خواهد کرد اگر بخواهند جریمه ای بگیرند .

نایب رئیس - اختصاص دادن حقوق بکتابخانه مدرسه حقوق این کافی نیست که غیبت ایشان با اجازه محسوب شود باید ایشان از مجلس کسب اجازه کرده باشند باید طبق مقررات کسب اجازه بکنند بعد از اینکه مجلس موافقت کرد

* عین مذاکرات مشروح بیست و سومین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۳۰۰)

** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر مصدق - دکتر رادمش - عباس مسعودی - تهرانچی - کفایی - مؤید قوامی
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر کشاورز - سیف پورسفاطی
 دیر آمده با اجازه - آقای هاشمی

میکنند همان ساعت هم جلسه را تشکیل بدهند و الامدنی بیرون در سررا ماندن و قدم زدن در صحن مجلس را جزء وقت مجلس شورایی ملی نباید حساب بکنند و ما را و ادار بکنند که يك کار اجتماعیرا که در خارج داریم انجام ندهیم و بیائیم در سررا قدم بزیم .

نایب رئیس - پیشنهادی از طرف آقای نقابت رسیده که برای استحضار مجلس قرائت میشود .

ملك مدنی - اجازه بفرمائید در صورت جلسه بنده عرضی دارم (نایب رئیس بفرمائید)

در آنجا نوشته شده است که آئین نامه که از طرف وزیر دارائی داده شده بود بکمسیون بودجه احاله شد در صورتی که باید بنویسند بکمسیون قوانین دارائی این را تذکر دادم که اصلاح بشود .

نایب رئیس - اصلاح میشود . دیگر نظری نیست نسبت بصورت مجلس (خیر) صورت مجلس تصویب شد پیشنهاد آقای نقابت

۲- مذاکره راجع بدستور

پیشنهاد میکنم نطقهای قبل از دستور برای بعد از دستور بماند .

نایب رئیس - آقای نقابت .

نقابت - ما از ساعت نه و نیم جلسه خصوصی داشتیم و آنجا راجع بمذاکرات قبل از دستور و راجع بهمین موضوعی که آقای دکتر کشاورز فرمودند که زودتر جلسه تشکیل بشود و سایر امور انتظامی مفصل بحث شد و يك مقداری اعتبار نامه است که اینها وضعیت خاصی پیدا کرده است که نسبت باین اعتبارنامه هلیکده میگویند که من بمیرم بگذارید برای جلسه دیگر و یکعده دیگر میگویند خواهش میکنیم که مطرح شود . استدعا میکنم بگذارید این کارها که جزء دستور مجلس است اینها تمام بشود و آقایان هم قبل از اینکه جلسه را ختم بفرمایند مذاکراتی را که دارند بگذارند در آخر جلسه تا دو ساعت بعد از ظهر می نشینیم و صحبت میکنیم **نایب رئیس** - آقای رفیع .

رفیع - عرض کنم نظامنامه مجلس بطوری که حالادر

نمایندگان محترم برسانم و آن این است که من در این مخالفت هیچ نظر شخصی ندارم بلکه هدف و مقصودم از این مخالفت دفاع از حق و آزادی است همان حق و آزادی که در اعصار تاریخ نفوس بیشماری برای دفاع از آن قربانی شده اند و اکنون هم ملت های آزادیخواه برای دفاع از آن میلیونها قربانی میدهند. منظور از این تذکر این است که طرز فکر بنده و بی طرفی بنده در مسائل اقتضا داشت بعرض نمایندگان ملت برسانم که من در این مخالفت نظر شخصی ندارم. حقایقی را که راجع باین اعتبارنامه و راجع باس این اعتبارنامه بعرض خواهم رساند باعلی درجه وضوح میرساند که در حوزه انتخابی بابل با اصول مشروطیت و آزادی ملت بازی شده است . در بیان این توضیحات اگر از نظر ضرورت بفهم معانی که در نظر دارم نام اشخاصی یا اعمالی را میبرم منظورم توهین به کسی نیست بلکه منظورم بیان حقایقی است که بنظر من مؤثر است و لازم است که بعرض برسد بنده خودم را مختار میدانم در پیشگاه نمایندگان ملت و از پشت همین کرسی خطابه بآن قسمت از ملت ایران یعنی اهالی حوزه انتخابی بابل درود بفرستم چرا؟ برای اینکه آنها بجای استفاده از اصول حکومت ملی و آزادی در انتخابات دوره ۱۴ قانون گذاری تحت تأثیر انواع تجاوزات واقع شدند و آزادی آنها سلب شده است بسیاری از آنها تحت توقیف درآمدند و بسیاری از آنها تبعید شدند و بسیاری از جعبه های حوزه های فرعی مورد دستبرد واقع شده اند و ق آن عوض شده است و اوراق ساختگی در آنها ریخته اند . مداخلات مأمورین دولت از کفیل استانداری و فرمانداری و بخشداران و مأمورین ژاندارمری و شهربانی که با لباس مبدل مرتکب سلب آزادی مردم شده اند بقدری در آنجا در مردم تأثیر کرده و آنها را متأثر کرده است که خود آنها از روی سادگی نام این اعمال را مبارزه با آزادی و قانون اساسی گذاشته اند راست است که در برخی از پرونده های آنجا از بعضی نقاط شکایاتی دیده شده است ولی حقیقت را باید گفت که هیچ يك از پرونده های انتخابی قابل قیاس با پرونده انتخابی

بابل نیست و این پرونده در کلیه حوزه های انتخابی کشور نظیر ندارد . دولت در آغاز انتخابات برای اینکه بمردم بفهماند که انتخابات با آزادی در-کشور انجام خواهد شد اعلام کرده است که استاندارها و فرمانداران و بخشداران را تغییر نخواهد داد اما در مورد انتخابات بابل یعنی مازندران مانند بسیاری از جا های دیگر بمحض نشر اعلان مقدمات تغییر استاندار آنجا که اکنون بسمت نمایندگی ملت در پیشگاه مجلس شورای ملی حضور دارند آقای مجد (صحیح است) که همیشه اهالی مازندران نام ایشان را با احترام میبرند و همچنین بخشدارها و مأمورین دیگر را که بسیاری از آنها مأمورین با تقوی بودند از آن جمله آقای صوفی نیا جوان با تقوی و شایسته که دانشکده حقوق را هم دیده بود معزول شدند و بجای این مأمور اشخاص دیگری را گماشته بودند چون دلیل ندارم توضیحات بنده که ناشی از ایمان به اصول است مشوب بشائبه ای بشود اقرار کنم از اینکه نام آن اشخاصی برده شود یا توضیحاتی راجع بسوابق آن ها بیان شود بدیهی است پرونده های وزارت کشور نشان میدهد که اینجا اشخاصی را که رای اجرای تعلیمات خاصی داشته اند بچه وسیله و بچه کیفیت انتخاب شده اند و چه اشخاصی هستند . بنده خود را مجاز میدانم که در پیشگاه نمایندگان ملت اعلام بکنم که این مأمورین بجای اینکه به قانون اساسی و آزادی مردم احترام بکنند مداخلات نامشروعشان کلاً با معارضه با قانون اساسی و آزادی تطبیق پذیر است چون در این مجلس یعنی در مجلس شورای ملی اطلاع دارم که تصمیمی هست از طرف شخصی از همکاران که با اعتبارنامه من مخالفت شود از این جهت من بسیاری از مطالب را در آن موقع خواهم گفت ولی چیزی که در اینجا ضرورت دارد من باب تذکر بعرض نمایندگان ملت برسانم و تأثیر دارد در نتیجه این بحث این است که کفیل استانداری مازندران وقتی که وارد آنجا شده است با اینکه آقای مجد مقدمات اجرای انتخابات را فراهم کرده بود برای اینکه بتواند وسیله مداخلات نام و تحمیل را فراهم کند

موجبات تأخیر غیرموجه انتخابات را فراهم کرده است وقتی که آن مقدمات فراهم شد غفلتاً احضار شده است در اینجا ذر جلساتی که وزیر کشور و نخست وزیر سابق و اشخاص دیگر بوده اند تصمیماتی راجع به انتخابات اتخاذ کرده اند این در حدود دومین دفعه ماه مهر شاید بوده است تاریخش را هم بنده دارم که در آنجا تصمیماتی گرفته شده و رفته است بهمازندان چه کرد؟ اولین اقدامی که بعمل آورده است احضار کلیه اشخاص مؤثر در کار انتخابات یعنی ملاکی و بازرگانان و محترمین بوده است که گفت حضوراً تمام این اشخاص اعلام کرده است که دولت بنده را یعنی شریعت زاده از انتخاب شدن محروم کرده است و کاندیدای دولت آقای یمن اسفندیاری و آقای علی اکبر ملک زاده آملی و یکنفر دیگر است که من نام او را نمی برم برای اینکه باو احترام میکنم. (یمن اسفندیاری - بنده هم متشکرم) تصور میکنم که این تشکر بایستی از طرف او اظهار بشود نه از طرف آقا عرض کنم حضورتان باید بدانید که هیچ قوه ای نمیتواند جریان بنده را در مسائلی که توضیح میدهم متوقف کند و خواهش میکنم که گوش بدهید و بعد هم برای شما نوبه است که توضیحات خودتان را بپایان کنید و میدانم شاید اشخاصی دیگر هم از شما دفاع کنند. مطلب دیگری را که اینجا من باب اشاره عرض میکنم این است که از آنجائی که اهل مازندران بیشتر از نقاط دیگر تحت تأثیر و فشار دوره خود سری بوده اند بیشتر آماده بودند که با جریاناتی که بمنظور تحمیل اشخاص ایجاد میشود مقاومت کنند برای این مطلب هم لازم بود که تدبیری بعمل آید که قوه روحی یا نیروی روحی اهالی متزلزل بشود آن چه بود؟ گفتند که ممنوعیت شریعت زاده مستند بعدم موافقت متفقین با او است ولی البته این نسبت یکی از نسبت های معمول بوده است و مخصوصاً جعل شده است (صحیح است) چون این عمل بوسیله استاندار مستقیماً و بخشدارها در تمام حوزه انتشار پیدا کرده بود مطالب به بنده اعلام شد بنده در نتیجه مطالعات تشخیص دادم که در برابر یک وظیفه اجتماعی قرار گرفته ام و با این که

شخص و مقامی که صادر شده باشد تقبیح و تصریح کنم که در موقعی که کشور های بزرگ جهان یعنی متفقین ایران برای آزادی ملل جهان فشانند و در این باره ملت ایران هم بنوبه خود از بذل هیچگونه فداکاری دریغ نمی ورزد اهالی مازندران که بیش از همه در معرض شدت و فشار و خودسری دوره گذشته بودند نباید انتشار دخالت دولت با مقامات دیگر را در انتخابات و بازگشت عصر خودسری و زور را از هیچ شخص و مقامی بپذیرند و منشاء اثر دانند بنابراین کلیه علاقه مندان بحفظ و اجرای قانون اساسی و تأمین آزادی ملت باید این جریانات را بپایان رسانند و مقامات صلاحیتدار دیگر اعلام و مسئولین را معرفی و در حدود قانون قدرت ملی خود را در اجرای انتخابات آزاد بکار برند و همچنین مراقبت تام بعمل آورند که صندوق آراء حوزه های فرعی تا موقع تحویل بانجمن مرکزی از دستبرد مصون ماند - احمد شریعت زاده و میتوانم در حضور نمایندگان ملت عرض بکنم که تأثیر این تلگرافات محدود بوده است با اشخاص روشن فکر شهر های مازندران شهر های بابل و آمل ولیکن مناسبات در نقاط دیگر در حوزه های فرعی اثری نکرده است. در آن حوزه ها ما مورین موفق شده اند که کلیه صندوقها را دستبرد و آراء ساختگی در او داخل بکنند و کسانی را که مورد نظر بودند نامشان را بیرون بیاورند فی الجمله نظر باینکه تأثیر این تلگرافات و این اقدامات محدود بود و علی الاصل عمل مؤثر ماشین که بکار افتاده بود به بنده اطلاع داده میشد باز با آقای وزیر کشور و آقای نخست وزیر ملاقات کردم قبل از این ملاقات و سائلی که داشتم آن وسایل را بکار بردم برای تحقیق اینکه این نسبت که داده میشود که متفقین با من مخالف هستند این را خواستم به بینم موضوع چیست البته از همه تحقیقات ثابت شده است که مقرون به حقیقت نبوده است و صرفاً وسیله ای بوده است برای تحمیل انتخاب اشخاص دیگر و سلب آزادی خوب چون من گفتم در مقدمه که بسایند حقایق را بعرض نمایندگان ملت برسانم من تشخیص دادم که باید در آن

موضوع رویه ای توأم با خون سردی و بردباری تعقیب شود به این جهت خواستم بدون اینکه غفلاً بگویم بزمامدارها که مطلب اینطور نیست قضیه احتجاج و استدلال را بکار بردم این بود که با اینکه احترام میگذاردند از ملاقات من ولی بنده در کاخ وزارت کشور و کاخ ایبض يك یادداشت هائی نوشتم خطاب به وزیر کشور و نخست وزیر ولیکن در نتیجه تحقیقاتی که کردم چون مندرجات آن یادداشتها ندای قلب و شرافتمندی بود و تطبیق میکرد با مقاصد ملت ایران و اعتراض آمیز ولی توأم با نازا کت بود در پرونده ها نگذاشتند ولی خوشوقت هستم که بعضی از آنها را در پرونده انتخابی خودم مینوشتم را نگاه داشته ام خلاصه بعد از مدتی گفتم بوزیر کشور که ملت ایران روش خودش را از نظر سیاست خارجی و اراده خودش را در این موضوع صریحاً اعلام کرده است بوسیله نمایندگان خود و بوسیله نمایندگان خودش بدینا نشان داد که سیاست خارجیش چیست (صحیح است) نشان داد که از روی اراده که متکی بود به تمایل اکثریت ملت ایران باید دفاع از آزادی جهان کرد و از این نظر با متفقین پیوسته است. این سیاست خارجی ملت ایران است (صحیح است) با چه مجوزی شما میتوانید به من نسبت بدهید که از نیروی و اطاعت این سیاست ملت ایران من خود داری میکنم تا اینکه برای شما بهانه باشد که بگوئید متفقین با من موافق نیستند؟ بدیهی است آقایانی که حضور دارند و نماینده ملت هستند تشخیص میدهند که این پاسخ ندارد. برای اینکه سوء نیت در کار بوده است و این عنوان جعل بوده است. بعد از نظر اصول علمی بایستی از اینها بحث کردم گفتم شما میدانید که ملتهای بزرگ جهان از نظر تاریخ دیپلماسی و از نظر های مختلف موجد اسناد سیاسی و پیمانها و اعلامیه هائی هستند که مدار سیاست دنیا بر روی آن است و در سایه آن از تجاوز و خودسری جلوگیری میشود شما میتوانید تصور کنید که متفقین آزاد بخوان که میلدونها قربانی برای حفظ آزادی ملل میدهند بر خلاف حقوق و اصول بین الملل و منشور آتلانتیک و اعلامیه ها و پیمانهای که با ما دارند در

امور انتخابی ملت متحد خود که مربوط به آنها نیست مداخله کنند؟ البته جواب این سؤال منفی است حالا آمدیم خدای نخواسته چنین واقعه پیش آمد وظیفه شما استناد بهین مبانی و اصول است برای چه؟ برای اینکه ملت ایران متکسی به این اصول است و هیچ ملتی برای ملت دیگر یا هر فرد ایرانی برای هیچ ملتی و حتی دولت متحد خودش نفعی و حقی جز آنکه روی اصول و حقوق بین الملل عمومی و این اسناد سیاسی هست نمیتواند بشناسد (صحیح است احسن) عرض میکنم که بنده بسیار در بیان این توضیح متأثر شدم من یکی از نامه هائیکه به نخست وزیر سابق یادداشت نوشته ام برای آقایان میخوانم که نوع احساسات و افکار مرا تشخیص دهند.

جناب آقای نخست وزیر - طبق مدارک موجوده کفیل استانداری در حوزه انتخابی بابل شخصاً و بوسیله بخشداران عملاً با افراد مردم و کسانی که محل اعتماد اهالی و مؤثر در انتخاب هستند علناً بنام دولت گفتند و میگویند که از نظر عدم تمایل متفقین نباید اینجانب را انتخاب کنند اطلاع مزبور را نیز مانند اطلاعات دیگری که قبلاً رسیده به آن جناب اعلام میدارم و مراتب ذیل را اضافه میکنم که نه فقط کفیل استانداری بوسیله انتشار فوق الذکر با اینجانب مخالفت و آزادی مردم را تهدید میکند بلکه آقایان یمن اسفندیاری و علی اکبر ملک زاده و یک نفر دیگر را کاندیدای دولت معرفی کرده و انتخاب آنان را الزامی مردم دانسته است حقیقتاً برای اینجانب درک این معنی بسیار دشوار است که چگونه ممکن است مأمور نامبرده بدون دریافت اوامر و تعلیماتی از طرف دولت با این درجه از وضوح و صراحت در برابر قانون اساسی و وظیفه خود سری و ترمز نشان بدهد البته شاید کسانی که مسئول این جریان هستند تصور کنند برای اثبات اینگونه اعمال دلیل و سند رسمی وجود ندارد و بدین جهت خود را مجاز در ادامه این رویه و آئینده خویش را مصون بدانند ولی جریانی که در قسمت مهمی از کشور بوقوع پیوسته و همه اهالی آگاهی دارند هرگز و از هیچ روی قابل انکار نخواهد

بود و هیچ قانونی هم برای اثبات اینگونه امور وجود سند رسمی را الزام نکرده است از طرف دیگر بهانه ساختگی مخالفت متفقین را با این جانب نمیتوان یک وسیله و دست آویزی برای سلب آزادی مردم و تحمیل اشخاص فوق الذکر با اهالی قرار داد زیرا اولاً بسیار بعید بنظر میآید که کشورهای آزادی و آزادی که برای حفظ آزادی ملل جان فشانی می کنند و ملت ایران هم بنوبه خود در این راه از هیچ گونه فداکاری دریغ نوزد بخود اجازه دهند که در موضوع انتخابات که صرفاً یک امر ملی و داخلی است و هیچ نوع ارتباطی با آنها ندارد نسبت به ایرانیانی که داوطلب و کالت میباشند نفی و اثبات بامداخله کنند ثانیاً اگر شایسته باشد که وقوع نفی و اثبات و یا هر نوع مداخله را ممکن است تصور کنیم آیا دولت ایران بحقوق و وظایف خود که در حدود اصول حقوق بین الملل عمومی و عهدنامه ها و منشور اتلانتیک مقرر شده همین اسناد بین الملل پایه و اساس روابط متفقین با ایران است آشنا نبوده و نمیبایستی در این موضوع تکالیف خود را انجام و توجه متحدین خود را معطوف بتخلف ناپذیر بودن اصول و اسناد سیاسی نامبرده نماید.

ثالثاً گفته میشود که عدم موافقت متفقین با انتخاب این جانب مربوط به باز داشت آقای دکتر محمود مشاور برادر اینجانب است و این معنی خود مایه کمال تعجب است زیرا علاوه بر این که برادر من هم مانند خود اینجانب از حبث ساختمان تربیتی و فکری سعادت ملت ایران را در همکاری و دوستی با متفقین میدانم و قطعاً گناه و تقصیری ندارد و از این لحاظ باز داشت او مانند باز داشت عده بسیاری از جوانان و دانشمندان ایران غیر موجه است برفرض که بتوان برادر مرا گناهکار تصور نمود در این فرض چگونه دولت ایران میپذیرد که متفقین بعنوان مزبور راجع بانتخاب اینجانب مخالفت و یا مداخله کنند آیا این اصل قضائی تازه ایست که بموجب آن برادر بودن را میتوان مجوز قانونی و مداخله دولت در انتخابات و تخلف از اصول مشروطیت دانست. در هر صورت

چون در برابر هر رویه ضد قانون و اصول مسلمه هر فردی حق دارد اعتراض کند اینجانب هم خود را مجاز میدانم بدین وسیله اعتراضات خود را با اینجانب تصریح و از این راه وظیفه خود را انجام نمایم با تجدید احترامات

احمد شریعت زاده

بیان این جریان وجود حقایقی را در نظر نمایندگان ملت مجسم میکند زیرا که همیشه بیان حقیقت مؤثر است اکنون بقیه توضیحات خودم را بعرض میرسانم من تصور میکردم در نتیجه این اقدامات و با این اعلانات تأثیری در قلب زمام داران آنوقت بکنند متأسفانه دیدم که خیر هیچ تأثیری نکرده است حالا باید تعداد اعمال ممنوع و جرائمی که در حوزه های انتخابی ارتکاب شده بعرض نمایندگان ملت برسانم و کوشش کنم که رعایت اختصار را بکنم من خودم را مکلف میدانم صدای اهالی حوزه بابل را در پیشگاه نمایندگان ملت منعکس کنم و بگویم چه وقایعی اتفاق افتاده است در تمام حوزه های فرعی بدون اینکه اشخاص برای دادن رأی حضور بهم رسانند از روی شناسنامه ها و صورتی که از مأمورین آمار گرفته شده بود اوراق تعرفه باطل کرده و وارد صندوق کرده اند مع الوصف چون در همان صندوقها هم تحمیل اراده و سلب آزادی مردم عملاً مقدور نبود و آرائی داده بودند برای عناصری که مایل به انتخاب آنها بودند باز صندوقها را دستبرد کردند یک حقایقی را در اینجا باید بعرض نمایندگان ملت برسانم و یک شخص شرافتمندی در اینجا حضور دارد آقای مجد از او شهادت بطلبم آقای مجد معزول شده بود در آنجا در قسمتی از مازندران یعنی شهنسوار علاقجات دارد بستگانی دارد تلگراف کرده است بمباشرش و به او دستور داده است که بروید پیش شریعت زاده و بگوئید که مأمور هستی که هدایت بکن این افراد را برای دادن رأی و به شریعت زاده و جمشیدی و یکنفر دیگر رأی بدهند آن شخص آمد پیش من با حضور یک عده از معترمین و رفته است و با خرج خود چند تا انوبوس اجاره کرده است و یکمده از آراء هم داده است البته بنده بعد از

دو روز از آنجا رفتم بعد که این جعبه قرائت شده است از رأی به اسم بنده و آن اشخاص چیزی نبوده است حالا بنده لازم میدانم با نمایندگان ملت که از نظر معلومات و از نظر آشنائی به اصول بر گزیده هستند صحبتی بکنم آقایان، هیچ میدانید چرا قانونگذار در قانون انتخابات آن قانونی که نمره شهادت عده از افراد ایرانی است نوشته است که باید هیئت نظار از معتمدین باشند علت و فلسفه این امر معلوم است برای اینکه مقصود قانونگذار پیدایش یک سازمان معتمد ملی بوده پس این وضعیت معتمد بودن باید محقق باشد در اشخاص حالا اگر محقق باشد و ما اهل اصول باشیم که بگوئیم در افراد ناس اصل صحت است هر کس را میگوئیم که معتمد است ولی اگر دلایل واضح برخلاف این باشد باز هم میتوان گفت که این سازمان سازمان ملی است البته پاسخ این سؤال منفی است حالا به آقایان اعلام میدارم که در نور کچور کلارستاق این سازمان ملی یعنی هیئت نظار از مباشرین سابق املاک اعلیحضرت پادشاه سابق تشکیل یافته است آیا می شناسید اینها کی هستند؟ اینها کسانی هستند که در مدت مدیدی عامل اجرای زور و جور بوده اند (اسکندری - اینها را آقای مجد انتخاب کرده اند) نایب رئیس - بدون اجازه صحبت نکنید (آقای اسکندری بنده بشخص آقا ارادت دارم و خواهش دارم که صحبت نفرمائید عرض میکنم که این اشخاص چندین سال مباشر سلب تمام حقوق مدنی و ملی از مردم و استثمار و با بیگاری یا هر چه که فکر بکنید از این مردم بوده اند و تمام اینها منفور هستند خوب این مطالب یک مطالبی است یک حقیقتی است که در آن محیط ثابت است قضاوت نمایندگان ملت هم قضاوت سیاسی توأم با عدالت است و اینها باید تشخیص بدهند که این حقیقت دارد یا ندارد و برای صحت این مطلب هم همین پرونده ها و تلگرافات و اعلانات مردم کافی است که موجب حصول علم و صحت این مطلب است طبق صریح جدول متمم قانون انتخابات محال لاریجان حوزه فرعی معین شده با اینکه اهالی از روی کمال جدیت حتی باتحصن به

تلگر افخانه تقاضای اجرای قانون انتخابات را در آنجا کردند پذیرفته نشده است چرا نشده است برای اینکه اهالی آنجا هم کسانی هستند که میتوانند و این قدرت اخلاقی را داشتند که در برابر فشار مأمورین مقاومت بکنند البته اگر به آنجا میرفت آراء آنجا مؤثر در نتیجه بوده است و قطعاً عدم موفقیت مأمورین دولت را در تعیین اشخاص تأمین میکرده است در سه نقطه دستبرد بصندوق ممکن نبود در آن سه نقطه مأمورین پلیس ژاندارمری و حکومت بالباس های مبدل در خارج از محوطه انجمن آراء مردم را عوض میگردند در اینجا يك روزی نامی از آقای عبدالساقی جمشیدی برده شده است و تقریباً تظاهری راجع به اعتماد به شخصیت او شد میتوان از ایشان پرسید ایشان ناظر این وقایع بوده که آراء مردم قهراً عوض میشده است عدّه از افراد مؤثر در انتخابات را در شهر بابل برای اینکه مبارزه با مأمورین میگردند توقیف کردند پرونده برای آنها تشکیل دادند این پرونده ها حالا هم هست در بعضی جاها اشخاص مؤثری را تبعید کردند که تلگرافات شکایت آمیز آنها در پرونده هست از آنجمله عادل خلعتبری که یکی از کاندیدهای محلی بود و در محل خودش مشغول فعالیت بود تبعیدش کرده اند و نسبتهایی داده اند که تقاضای تبعید او از مقاماتی بوده است در صورتیکه کشف بعمل آمده است که این هم جعل بوده است و همچو چیزی نبوده این حقایقی که بعرض مجلس شورای ملی رساندم این حقایق را محتویات همین پرونده به ثبوت میرساند ولی لازم میدانم برای اینکه جنبه اثباتی محتویات این پرونده را مورد توجه نمایندگان ملت قرار دهم ناچارم که يك توضیحی بدهم اجازه میخواهم که عرض کنم که اعضاء هر جامعه منظمی ممکن است تحت تأثیر دو نوع احساسات واقع شوند منظور از جامعه منظم یعنی جامعه که سطح تمدنش بالا باشد ممکن است تحت تأثیر دو نوع احساسات واقع شود احساسات نوع اول احساساتی است که اختصاص به افراد و اشخاص غیرمسئول دارد یعنی آنها در مفهوم مسئولیت دقت نمیکنند یعنی مکلف نیستند که دقت کنند این قبیل اشخاص غالباً تحت تأثیر

موجوده باید منشأ استنباط واقع شود از این مقدماتی که عرض کردم اینطور نتیجه میگیریم که در هیچ موردی قضاوت نمایندگان ملت راجع به انتخابات فاسد نمیتواند مانند قضاوت بین عمر و زینت تلقی بشود بلکه نمایندگان ملت قضاوتشان يك نوع قضاوت سیاسی متکی به اصول عدالت و حقیقت است این نوع قضاوت اختصاص به مجلس شورای ملی دارد خوب بهانی این قضاوت چیست از کجاست ما گفتیم که در این قسمت ذرا این امور اسناد رسمی داده نمیشود و حتی مرتکبین برای اعدام آثار و دلائل جرم کوشش میکنند این جا است که مسئولیت نمایندگان ملت از حیث سنگینی احساس میشود. عرض کردم که قضاوت مجلس شورای ملی اصولاً يك نوع قضاوت سیاسی متکی به حق و عدالت است چرا؟ برای اینکه حامی و نگهبان نمایندگان ملت در این مورد به خصوص مجلس شورای ملی است و مرجع دیگری نیست بنابراین منشأ و مبنای استنباط نمایندگان ملت اعلانات شکایات کتبی و تلگرافی و کلیه اسناد و دلائلی است که در پرونده ها موجود است و از آن پرونده ها تشکیل يك سلسله از اوضاع و احوال و قرائن و امارات قویه که منشأ اثبات میتواند باشد این پرونده از آن پرونده ها است چرا؟ در این قسمت سز این امور باید از نظر شخصیت افرادی که شکایت کرده اند از نظر روحیه اهالی از نظر شهرت و معروفیت آنها بدزستی و صحت عمل زیرا که عده بسیاری از مؤثقین و از کسانی که مورد اعتماد عامه هستند این حقایق را بعرض مجلس شورای ملی و دولت رسانده اند این ها تمام حقایق را با خصوصیات تشریح کرده اند از میان اینها اشخاص روشن فکر معتمدین محرزین ملی روزنامه نویس ها این حقایق را توضیح داده اند اینجاست که منعکس میکند يك حقایق را و منشأ استنباط نمایندگان ملت باید واقع شود البته بنده در این موضوع از آقایان اعضاء محترم شعبه که از نظر رابطه شخصی کدام احترام و اهمیت را نسبت به ایشان دارم نمیخواهم از شان شکایت بکنم شاید اگر این توضیحات را بنده در شعبه میدادم بهر حال کیفیت به تمام جزئیات دقت میشد

را حمایت کنند. طبق سه پرونده که در دیوان کیفر کارکنان دولت هست آقای یمین اسفندیاری مورد تعقیب کیفری واقع شده اند در یکی از آنها قرار بز هکاری ایشان صادر شده است در یک قسمت دیگر هیئت تفتیشیه گزارش رمزی داده است بدولت راجع بوقوع جرائم عدیده و ارتکاب جرائم عدیده از طرف ایشان اینها همه در دیوان کیفر هست البته ممکن است سؤال شود که اینها در سال ۱۳۱۱ واقع شده است و حالاً امروز زمان حاصل شده است ولی بنده در این باب طور دیگر فکر میکنم حالا نمی دانم نمایندگان ملت چطور فکر میکنند من معتقد هستم هر حقی که برای افراد هست همیشه باید مرور زمان بدون روبروشدن بانیروی مقاومت نا پذیر حاصل شود یعنی چه؟ یعنی ایشان در نتیجه توسلاتی که شده بود باعلیحضرت پادشاه سابق يك امر غیر مرئی جریان این پرونده ها را موقوف کرد بنده از آقایان نمایندگان ملت میپرسم که آیا شایسته است در قانون مرور زمان باصطلاح آقایان د کتر ها پرسرکامپیسیون در قانون مرور زمان برای افراد مقرر شده است که اگر يك نیروی مقاومت نا پذیری مانع از داد خواهی بشود مرور زمان جاری نمی شود و حکم اولویت حقوق جامعه باید بیشتر مورد احترام واقع شود خوب حالا آمدیم این رعایت نشد در قوانین ولی ببینیم از نظر صلاحیت که مربوط است بقضاوت سیاسی و اجتماعی که نمایندگان ملت باید بعمل بیاورند باز هم مؤثر نیست چرا برای اینکه عرض کردم این دعوی بین زید و عمرو نیست اینجا نمایندگان ملت با ملت و جامعه معین یعنی ملت ایران سرو کار دارند و مأمور هستند مصالح عالی ملت ایران را حفظ کنند و تأمین کنند و بنظر بنده این حقایق و این توضیحاتی که عرض رسید کافی است برای اینکه نمایندگان ملت وظیفه را که قانون برای آنها مقرر داشته است انجام دهند و نشان بدهند که در پیشگاه آنها اخفاء حقیقت و فرار از آثار قانون ممکن نیست امیدوار هستم این مقصود در هر صورت برای ملت ایران در این دوره حاصل بشود.

شیرین و استدلال قوی و منطق محکمشان قدر دانی و ستایش بکنم و مخصوصاً از رک گوئی ایشان در کارها و مخصوصاً در امر انتخاباتی که خود ایشان هم از همان محل وکیل هستند بنده را واقعاً فریفته ایشان کرد بنده تصور میکنم در راه آزادی و احقاق حق ایشان قدمهایی برداشته اند که واقعاً مورد ستایش و مورد احترام عموم آقایان نمایندگان است بنده در این مورد نمیخواهم دفاعی از نمایندگی آقای یمین اسفندیاری بکنم فقط دفاع بنده از نظر شعبه است که این پرونده را رسیدگی کرده است البته بنده قطورترین پرونده که دیدم در این شعبه پرونده انتخابات بابل بود (اقبال - چون سه نفر وکیل دزد) و ناچارم یکقسمت از جریان انتخابات بابل را مطابق آنچه که در پرونده هست مختصراً عرض کنم و البته برای این است که اگر اکثریت مجلس (که رأی اکثریت همیشه محترم است) بنمایندگی آقای یمین رأی داد تصور نشود که در شعبه یا در مجلس قبلاراجع باین کار مواضعه بوده است یا صحبتی بوده است یا حقیقه نظر شخصی در کار بوده است نه نظر حقیقی و ملی. آقای شریعت زاده اشاره فرمودند در قسمت صندوقهای فرعی یا صندوق اصلی که اورا قی در آنها بوده است که ساختگی بوده است و مأمورین دولت از هر مقام در آنها دخالت هائی کرده اند بنده عرض میکنم که این جریان اگر صحیح باشد یعنی طبق اظهارات آقای شریعت زاده این ترتیب اگر جریان داشته است متأسفانه در پرونده انعکاسی از این عمل نیست فقط انعکاسی که در پرونده هست این است که تلگرافی است از يك عدّه از آقایان که علاقمند بوده اند خودشان در امر انتخابات بابل و این تلگراف هم متعدد بوده است و تصدیق میفرمائید که شکایت از ذینفع نمیتواند زیاد مورد توجه واقع شود زیرا اغلب بواسطه نفع خصوصی است که در آن کار بخصوص دارد و اگر حقیقتاً شکایاتی که در پرونده بود بامضاهای مختلف بود و بیشتر امضاهای آقایان ذی نفع نبود شعبه هم پیش از این ذقت نمیکرد. در قسمت سوم فرمودند در حوزه های فرعی بدون حضور اشخاص اوراق تعریفه باطل

شده و وارد صندوق کرده اند و صندوقها را دستبرد زده اند البته ممکن است اینمطلب صحیح باشد و بنده در محل نبوده ام و از اقدامات استاندار و فرماندار و مأمورین اطلاعاتی ندارم ولی با آنچه که در پرونده بود نمیشود فرمایشات آقای شریعت زاده را تصدیق کرد و این ترتیب نبوده است و در این مورد باید عرض کنم که خوشبختانه در همان صندوقها آقای شریعت زاده هم رأی داشته اند خوشبختانه از اینجهت عرض میکنم که خیلی خوشوقتم که کسی با این مقام علمی و این شایستگی اخلاقی حقیقه امروز در این مجلس هست و از همکاران محترم ما است بنابراین بنده میتوانم عرض کنم که در همان حوزه هائی که بنظر آقا عملیات خلاف قانونی شده است جنابعالی خودتان هم رأی داشته اید و بنده از این جهت که عرض کردم خیلی خوشوقت هستم. در قسمتی که فرمودند در انجمن انتخابات مرکزی و فرعی حقیقه اشخاصی نبوده اند که معتمد باشند در این جا باید عرض کنم به آقای شریعت زاده که اینها همان اشخاصی بوده اند و همان انجمنی بوده است که به حق یا ناحق تعداد زیادی از آراء جنابعالی که باسم شریعت زاده مطلق بوده است قبول کرده اند در صورتیکه عدّه زیادی از آراء که باسم ملکزاده مطلق بوده است بنبفع حضرت مستطاب عالی و بضرر ملکزاده لغو کرده اند و اگر این انجمن میخواست نظر مأمورین دولت و مقاماتی که با جنابعالی مخالفت کرده بودند اجرا کرده باشد مسلماً این انجمن در حدود چهار هزار رأی از آراء ملکزاده را لغو نمیکرد که آقای ملکزاده از سری خارج شود و بالتبلیغه جنابعالی وکیل شوید بنابراین اگر ایرادی باین انجمن وارد است ایرادی است که نسبت بخود جنابعالی يك اعمال نظری کرده است که خوشبختانه بنبفع جنابعالی تمام شده و امروز در این مجلس تشریف دارید راجع بصلاحیت آقای یمین اسفندیاری با وکالت ایشان بنده وارد نمیشوم ولی آنچه که بنده شخصاً مستحضر هستم ایشان از طرف مالکین بابل کاندید بوده اند و از ایشان خیلی استقبال شده است و فعلاً هم هنوز معمول

است که رعایا تبعیت از نظر مالکین میکنند و مالکین ذی نفوذ هستند این است که آقای یمین اسفندیاری از طرف مالکین بابل انتخاب شده و حقیقه میتوان گفت با کیفیت انتخابات فعلی وکیل حقیقی آنجا هستند و شعبه هم در سهم خودش و در قضاوت خودش آنقدری که آقای شریعت زاده بی مرحمتی فرمودند قصوری و غفلی نکرده است.

نایب رئیس - آقای هاشمی (حاضر نبودند) آقای اقبال

اقبال - موافقم

یمین اسفندیاری - اجازه میفرمائید بنده توضیحاتی عرض کنم.

نایب رئیس - بفرمائید.

یمین اسفندیاری - عرض کنم بنده در قسمت انتخابات مازندران هیچ نمیخواستم وارد صحبت شوم زیرا در تمام این مدتی که انتخابات جریان داشته است بنده از طهران حرکت نکردم و به محل حوزه انتخابیه خودم ترفتم و باهیچکس هم راجع به انتخابات خودم در محل وارد گفتگو و صحبت نشدم باین جهت آن جریاناتی را که آقای شریعت زاده اظهار فرمودند بنده باینکه همیشه انومبیل دوسره که کرایه فرموده بودند که از اینطرف میرفتند و از آنطرف بر میگشتند قطعاً اطلاع ایشان بیشتر است بنده نمیخواهم با ایشان مبارزه کنم و بگویم خدای نخواستہ دروغ گفته اند بلکه فرض می کنیم که هر چه فرمودند تماماً صحیح است ولی سه نکته را لازم میدانم خدمت آقایان عرض کنم که آقای شریعت زاده بی انصافی فرمودند یکی اینکه آقای مجد از طرف کسی اقدامی نشد که از استانداری مازندران به طهران احضار شوند بلکه بنده با اطلاعی که خود ایشان دارند و اطلاعی که وکلای دوره سیزدهم مازندران دارند طرفدار جدی آقای مجد بودم و همیشه مایل بودم بواسطه شایستگی و لیاقت و حسن خدمتی که در استانداری مازندران بخرج دادند ایشان را در آنجا نگاهداری کنم ولی به مناسبتی که خودشان بهتر اطلاع دارند اولیای امور وقت اینطور صلاح دیدند که ایشان بیک مأموریت دیگری بروند بلکه بنده

استانداری مازندران هم از صورت اول بر کردید و فرمانداری بشود و این قسمت های بعد و اعزام آقای سمیعی که بعد از ایشان به کفالت استانداری مازندران تعیین شدند در زمانی که آقای سهیلی هم نخست وزیر بودند و هم وزیر کشور آقای مجید را اجبار کردند انجام نشد بلکه بعد از آنکه آقای سهیلی وزارت کشور را بعهده شخص دیگری واگذار کردند ایشان آقای سمیعی را انتخاب کردند و فرستادند به مازندران. راجع به خود بنده این آقای مجید حاضر این جا نشسته است بنده از ایشان تصدیق میخواهم که آیا من وکیل تحمیلی مازندران هستم و خودم را تحمیل کرده ام؟ (مجید خیر شما در مازندران کاملاً معروفیت محلی دارید و خیلی هم طرفدار دارید و شایسته این مقام هستید) آقای مجید با اطلاعی که جنابعالی از جریان اوضاع مازندران و وکالت بنده چه در حوزه ساری و چه در بابل دارید این موضوع که فرمودند خلیط مبحث نیست؟ واقعاً این موضوع که آقای شریعت زاده شما بفرمائید خلیط مبحث است ولی حق دارید زیرا جنابعالی هم یکی از افراد کاندیدای مازندران بوده و هستید و بدبختانه بنده خیلی از شما خجلم ولی بدانید که بنده هیچ اعمال نفوذی نکردم که اعتبارنامه بنده و آقای خلعت بری را بیاورند و اعتبارنامه شما را پس بگردم بگذارند و جنابعالی از لحاظ اینکه اعتبارنامه تان متأسفانه امروز مطرح نمیشود بخودتان حق میدهند که میدان وسیعی برای فرمایشاتتان باز کنید و هر فرمایشی را که بخواهید بفرمائید. انتخاب اعضاء انجمن انتخابیه حوزه بابل در زمان آقای مجید شد و سمیت و همین افرادی که اعتبارنامه به من و شما و آقای خلعت بری داده اند افرادی بودند که آقای مجید انتخاب کرده اند اینها در زمان آقای سمیعی انتخاب شده باشند اما قیمت دیگری که خیلی در افسوس صحبت فرمودند در این قسمت هم باید عرض کنم که بنده به شما و به برادر بزرگوارتان آقای مشاور را بگویم بفرمائید و بهترین دلیل هم این است که اگر برادر شما آقای مشاور را بگویم بود امروز آن زمان در طهران نمیبهر خریدند بنده تصور میکنم هر اینانی منصفه با روحانی که واقفان خودشان

را ایرانی معرفی کنند هیچوقت برای احراز مقام و کالت دو ساله باده ساله بایدست ساله نمی آید خودش را این اندازه تنزل بدهد و هموطن خود را بدنام دیگران بیندازد و اشخاص را متهم بکند (صحیح است) من کسی بودم که از شما دفاع کردم بنده اگر کسی باشم که بخواهم راجع به شما توضیحاتی بدهم به مقام و شئونات جناب عالی برمی خورد و چون مجلس جای این توضیحات نیست بنده خود داری می کنم ولی حاضر اگر اجازه می فرمایند در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی بنده يك حقایقی را بگویم تا بدانند که نه بنده و نه طرفدارانم نسبت به جناب عالی حمله نکرده ام و بنده مدافع شما بودم و شاهد و اسنادی هم برای این عرض خودم دارم. در قسمت انتخابات حوزه بابل که بنده افتخار نمایندگی آن جا را دارم بیشتر از این لازم نمیدانم عرض کنم زیرا که قضاوت این موضوع فقط و فقط با مجلس شورای ملی است که شأن رسیدگی باین کار را داشته و دارد و خواهد داشت و با آن تشریفات که داشته است این قضیه که انجمن بابل نسبت به این موضوع چه تصمیمی بگیرد و اعتبارنامه به کسی بدهد و شعبه در درجه دوم پرونده ها را رسیدگی بکنند و نسبت بآن موضوع خبرش را به مجلس شورای ملی بدهد و در قسمت سوم بنده و جنابعالی همه افرادی که در این جا نشسته ایم تابع اکثریت مجلس شورای ملی هستیم و چه قبول شوم و چه رد شوم در این قسمت بنده هیچ عرضی ندارم و از هیچیک از آقایان نمایندگان که حاضر هستند در تمام این مدت راجع به خودم هیچ خواهشی نکردم ولی برای جناب عالی با اطلاع خودتان خیلی خواهش کردم و اگر تاکنون انجام نشده است بنده خطی متأخرم و امیدوارم که بنده به سهم خودم در صورتی که قبول شوم بتوانم باز به جناب عالی خدمت بکنم و فعلاً از این موضوع می گذریم و قضاوتش با مجلس شورای ملی است ولی در قسمت آنها هیچ يك نفر وکیل مبروز يك نفوذ شریعت زاده میافشود (نه باز لحاظ لایحه برای کلر حاضر نیستند ایشان انشاء الله سباهای زیادی برای کار حاضر هستند) کسی که اهل میکند که تمام مطالب

را از روی حقیقت بیان میکنند خیلی شرم آور است که برای يك شهوت و شهوت و کالت دو ساله حاضر می شود که برخلاف حقیقت و انصاف اظهار کند که بنده پرونده در دیوان کیفر دارم حالا بنده به جناب عالی عرض میکنم آقای شریعت زاده بنده که از لحاظ تجربه خودم را جای اولاد جناب عالی میدانم (خنده نمایندگان) و پنجاه و چهار سال از عمر من میگذرد در این پنجاه و چهار سال خدا را شاهد میکنم که آنچه تو انستام با جامعه خدمت کرده ام اگر يك مدتی هم اعلی حضرت رضاشاه پهلوی بمن بی مرحمت شدند يك باب دیگری برای خدمات ملی به روی من باز شد و کار های دیگری در شرکت ها برای من درست شد که آقایان روز نامه نویس ها کاملاً اطلاع دارند ولی در آن جا ها هم بنده تا امروز از کسی تقاضائی نکردم که بنده را در آن شرکت ها وارد کنند مگر این که از طرف خود آنها اظهار شده است آقای دکتر طاهری شاهد هستند که بنده هیچ وقت دستم را دراز نکردم آقای نمازی هم شاهد هستند و این مطلب را شاید تصدیق بفرمایند که من هیچ شرکتهای مراجعه نکرده ام که مرا وارد خدمت کنند من جان میکنم زحمت میکنم تا سه ساعت بعد از نصف شب بیداری میکنم و با این حال ملاحظه بفرمائید بمن چه چیز عاید میشود اما راجع به خدمات دولتم آقای شریعت زاده التفات بفرمائید من خیلی جوان بودم در محاسبات وزارت امور خارجه در محاکمه به قتل مرحوم صنیع الدوله بود رأی که بنده دادم با وجود صغر سن نسبت بآن رئیس محکمه ای که جای جلد بنده حساب میشد بروید در توی پرونده بخوانید چه رأی دادم که مرحوم محبذ السلطن آمد بمن گفت تشکر میکنم از تو با این که سنست تقاضا نمیکرد اینطور شهادت کردی و این طور قضاوت کردی نسبت به موضوع قتل مرحوم صنیع الدوله آهم در زمان دولت امپراطوری روس این طور اظهار نظر کردی بنده در مأموریت سلطان آباد عراق در موقعی که جنگ بین التللی بود با وجود این که عدم کشینی از قشون دولت امپراطوری روس در ایران بود

بشهادت همین آقای بیات وزیر مشاور که حاضرند و به شهادت آن آقای عزت الله بیات که نمیدانم آنوقت آن جا بودند یا نه و بشهادت آقای روحی (یکنفر از نمایندگان) آقای روحی سنشان مقضی نیست بنده میدانید چه کردم؟ در آن موقع چاروادار های همدانی که زیر توپخانه دولت امپراطوری روس بودند میرفتند در دهات و صدقات زیادی بمردم میزدند و چه مالهایی را که از آن دهات می آوردند به شهر و توی انبارهای جو و گاه قشون روس مخفی میکردند و میفروختند بنده بودم که دادم آن انبارها را باز کردند و تمام انبارها را ریختند بیرون آقای خا کباز هم اطلاع دارند و تمام مال مردم را بصاحبانش دادم و در توی چهار سوی عراق چاروادار های همدانی را دادم بستند به سه پایه و تنبیه کردند (منخبر فرمهند همدانی نبودند) خیر همدانی بودند (خنده نمایندگان) بنده آقای شریعت زاده در اصفهان مأموریت داشتم در موقعی که قحطی بود در موقعی که قشون دولت امپراطوری روس در آنجا بود و باچه وضعی با مردم رفتار میکردند آقای صارم الدوله شرحش را از اول تا آخر میدانند بنده در آنجا وقتی وارد شدم دیدم نسبت به عمه همین آقای امیر جنگ خانم بی بی مریم که یکی از بزرگترین و شریفترین اشخاصی بود که باید جامعه نسوان ایرانی به وجود این زن افتخار کنند مال ایشان را غارت کردند و اول کارش که کردم شرحی بود که راجع بمال ایشان به قونسولگری دولت امپراطوری نوشتم و استاذ کی کردم برای حفظ حقایق ایشان و من کسی بودم که در اصفهان برای خاطر يك خانم که مقتدی و يك رئیس اداره بشهادت همین آقای نصر الدوله لهتلندی وزیر مشاور که اینجانشسته است استاذ کی کردم و گفتم که يك خانم حق ندارد يك رئیس اداره توهین بکند یا جای ماست یا جای ایشان بنده آقای شریعت زاده خیلی معذرت میخواهم که سون آقایان را در ده میانه و لیبی مجبورم که جناب عالی را آشنایانم به اینسکه اینجا که میآئید و این نفر مالیشان را میفرمائید اگر از روی عرض بود و برای بیان يك حقیقتی بود (نه اینسکه امروز چهارمالی برای انجام

مقصود خودتان این فرمایشات را بفرمائید) و حقیقتاً احقاق حق را در نظر میگیرفتید دوره سیزدهم تشریف میآوردید اینجا و این بیانات را میفرمودید و به مجلس شورای ملی میگفتید که رضا شاه رفت و دوره دیکتاتوری تمام شد و یک شخصی که پرونده هائی در دیوان کیفر دارد و این شخص امروز وکیل مجلس شورای ملی است اعتبارنامه او را تصویب نکنید و من از لحاظ خیرخواهی و از لحاظ صلاح مملکت و برای اینکه دیگران بفهمند که یک حسابی در کار است ایشانرا متهم میدانم و باید این آقا را دعوت بحساب بکنید و این آقا را بیاورید پای حساب زیرا این آدم مال دولت را خورده است و به ملت صدمه زده است و باید بحسابشان رسیدگی شود نه اینکه در دوره سیزدهم اصلاً دیده نشوید و اظهاری نکنید و حالا شما بیایید اینجا و عدم صلاحیت بنده را اعلام کنید باید ببخندم باین فرمایشات شما من در کردستان مأموریت داشتم آقای سردار معظم کوردستانی بودند که چه موقع خطرناکی بود برای اینکه تکلیف تابعیت آن هم در تحت مراقبت یک شه بندر عثمانی که اسمش هم ابوشلاق بود اگر یادتان باشد که اسم او را گذاشته بودند ابوشلاق و این ابوشلاق یک اصراری داشته است که یک اشخاصی را بیاورد و تبعه خودش بکند ولی انصافاً کرده ام مقاومت میگردند که مایل نبودند توی دامن کسی بیفتند آقای شریعت زاده ما خدمائی انجام داده ایم اما راجع به بوشهر که آقای علی دشتی و خلیل دشتی کاملاً مطلعند زیرا ایشان در تمام مدت مأموریت پنجساله من در بوشهر تشریف داشتند و آقای علی دشتی هم هیچوقت از فکر بوشهر و بوشهری خارج نیستند و آقای صفوی هم که دو دوره است وکیل بوشهر هستند لابد در مسافرتهایشان اطلاع دارند.

صفوی - پنج دوره است

یمین اسفندیاری - پنج دوره است که وکیل بوشهر هستند اطلاعائی در مسافرتهای خودشان کسب فرموده اند بنده در آن پنجساله که در بوشهر مأموریت داشتم یک رفتار بزرگ بنده در آن موقع با آنچه اشکالات که موجود بود با آن

وسائلی که قبل از مأموریت من فراهم شده بود و مشکلاتی که برای دولت فراهم کرده بود معهداً بنده این افتخار را دارم که پست هندی را از بوشهر با نهایت احترام روانه نموده و پست ایرانی را برقرار کردم آقای شریعت زاده بنده را هم نگاه کنید این خدمات گذشته بنده بود که من باب اختصار بعرض آقایان رساندم و امیدوار هستم که اعتبارنامه شما بیاید بمجلس و بنده با اعتبار نامه شما مخالفت نکنم نه اینکه بخواهم حالا نان بشما قرض بدهم خیر بنده هیچ ابدأ از کسیکه اینجا موافقت بکند ابدأ امتنانی ندارم و از کسیکه مخالفت بنماید رنجشی ندارم زیرا آن کسیکه اینجا نشسته است خودش متکی بآن شرافت و وجدان و قضاوتی است که خود جنابعالی بیان فرمودید و بنده و جنابعالی نباید تقاضائی داشته باشیم زیرا هنوز اعتبار نامه هایمان نگذاشته است عرض کنم بنده از ایام جوانی تا بحال که وارد خدمت شده ام با یک تهور و با یک صداقتی مشغول کار شده ام و حالا هم که باین سن رسیده ام تصدیق میفرمائید آقای شریعت زاده که در ردیف جوانها نمیتوانم واقع شوم یا عنوان دکتری بروی اسم بنده گذاشته نشده ولی هنوز آن تهور و صداقت در من باقی است.

نمایندگان - مذاکرات کافی است

شریعت زاده - بنده یک توضیحی دارم

نایب رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند

شریعت زاده - بنده از نظر نظامنامه توضیحی دارم

نایب رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - عرض کنم که بنده دو توضیح دارم یکی در برابر توضیحات آقای محبیر که اینطور تعبیر کردند بیانات بنده را راجع باعضای هیئت نظار تعبیر کرده اند بانجمن نظارت مرکزی در صورتیکه مطالبی را که من گفته بودم مسائل اعضا انجمن مرکزی نبود اعضای انجمنهای فرعی بوده است بنابراین اگر انجمن نظارت مرکزی اعتبارنامه بمن داد آن یک مطلب دیگر است که من در آن موضوع بحث نمیکنم و یکی اینکه آقای یمین اسفندیاری در ضمن

توضیحاتشان نسبت دادند که من اعمال غرض کردم بنده در مقدمه بیانات خودم توضیح دادم که بدون نظر شخصی برای دفاع از یک حقیقتی این توضیحات را میدهم گفتند که چرا در دوره سیزدهم این کار را نکردید این وظیفه نمایندگان بود که بودند بنده شاید مطلع نبودم که همچو چیزی در دیوان جزا باشد در هر صورت لازم میدانم که برای باریگر تکذیب کنم. یمین اسفندیاری - بسیار خوب.

نایب رئیس - باامضاء ۱۶ نفر از آقایان پیشنهادی است که تقاضای رأی مخفی شده است که قرائت میشود.

پیشنهاد زیر توسط آقای هاشمی (منشی) قرائت شد: امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم که مقدمه خبر شعبه ۲ از ذی المقدمه تجزیه شود و بدو نسبت به صحت یا بطلان انتخابات بابل رأی مخفی با مهره گرفته شود باین صورت که موافقین با صحت انتخابات بابل مهر سفید خواهند داد و اشخاصیکه معتقد بان انتخابات بابل هستند مهر سیاه خواهند داد.

نایب رئیس - بعقیده بنده این پیشنهاد خالی از اشکال نیست اگر پیشنهاد رأی مخفی راجع بنمایندگی آقای یمین اسفندیاری کرده اند قابل طرح در مجلس بود ولی چون راجع بان انتخابات بابل است و انتخابات بابل شامل نمایندگان دو نفر دیگر از آقایان نمایندگان هم هست که فعلاً مطرح نیست تصور میکنم که خالی از اشکال نخواهد بود معهداً بسته بنظر مجلس است.

نمایندگان - امضاء کنندگان را بخوانید.

(اسامی امضاء کنندگان پیشنهاد فوق الذکر توسط آقای هاشمی منشی بشرح زیر خوانده شد:)

امضاء کنندگان - آقایان: سنندجی - نقابت - کاظمی فرود - شجاع نیا - ساسان - امیر ابراهیمی - فولادوند - نجومی - دستم کیو - بیات - عماد تربتی - محمد طباطبائی سیف پور فاطمی - شریعت زاده - هاشمی.

نایب رئیس - آقای دشتی ... دشتی پیشنهاد را دو مرتبه بخوانید (پیشنهاد نامبرده دو مرتبه قرائت شد) ...

نایب رئیس - آقای کاظمی.

کاظمی - بنظر بنده این پیشنهاد هیچ اشکال قانونی ندارد برای اینکه بر طبق تصریحات نظامنامه داخلی همیشه تجزیه قبولش از طرف مجلس الزامی است و بعلاوه موضوعی باید مورد اشکال باشد که در مقابل یک نصی واقع شده باشد آن نصی که بنظر آقای رئیس موجب اشکال این پیشنهاد است بفرمائید و بنده پیشنهاد خودم را نسبت باعتبارنامه آقای یمین اسفندیاری مینمایم و سایرین هم هر کدام موافق هستند بفرمایند

نایب رئیس - آقای دشتی

دشتی - این پیشنهاد دو خلاف مقررات دارد یکی تجزیه مقدمه از ذی المقدمه هیچوقت نه در لوایح و نه در خبرهای دیگر مقدمه جزء مطلب نیست که تقاضای تجزیه نسبت بآن بشود و تقاضای تجزیه وقتی ممکن است که دو قسمت داشته باشد یعنی اگر دو مطلب داشته باشد، ممکن است تقاضای تجزیه کرد والا مقدمه و متن را که نمیشود تجزیه کرد همچو چیزی سابقه ندارد مثل اینکه یکی از لوایح دولت را آدم بگوید مقدمه لایحه را من منکر هستم باید حذف شود مقدمه اصلاً جزء قانون نیست مجلس آنچه را که رأی میدهد راپرت شعبه و نتیجه راپرت شعبه است یعنی آن چیزی که از آن مقدمه نتیجه گرفته میشود و در حقیقت از آن مقدمه صرف نظر می شود و آن نتیجه را که این گزارش گرفته است عبارت است از نمایندگی آقای یمین اسفندیاری و بآن رأی گرفته میشود بنابراین تجزیه مقدمه و ذی المقدمه بنظر بنده هیچ موردی ندارد و موضوعی ندارد این یکی و یکی هم نتیجه راپرت شعبه برای یمین اسفندیاری است شما بنمایندگی آقای یمین اسفندیاری به بنیاد مجلس رأی میدهد یا نمیدهد ولی بطور کلی بان انتخابات بابل نمیشود رأی گرفت برای اینکه انتخابات بابل مال یکنفر نیست مال سه نفر است پس این پیشنهاد بعقیده بنده از این دو لحاظ برخلاف مقررات است ولی اگر پیشنهاد برای اعتبارنامه آقای

بمیان اسفندیاری باشد عیبی ندارد و البته صحیح است ولی بشرط اینکه آقایان امضا کنند. گمان یکی یکی بنماید شوند و تقاضا کنند که ما رأی مخفی را نسبت بنمایند کی آقای یمین اسفندیاری تقاضا خواهیم کرد

نایب رئیس - همانطور که توضیح دادند و بنده هم عرض کردم این پیشنهاد خالی از اشکال نیست ولی همانطور که گفته شد ممکن است پیشنهاد کنندگان بفرمایند که این پیشنهاد فقط شامل نمایندگان آقای یمین اسفندیاری باشد

نایب رئیس - آقای نقابت

نقابت - بنده اعتراضی دارم بطرز کار اجازه بفرمائید عقیده خود را عرض کنم هر نماینده حق دارد در مجلس پیشنهادی تقدیم کند انتخابات بابل مطرح است انتخابات بابل درست یا غلط اعم از اینکه دو نفر یا سه نفر باشد اینجا پیشنهادی شده است و این پیشنهاد قابل توجه است وزیر نظر ورأی آقایان گذاشته میشود باید به نفس پیشنهاد رأی بگیری اگر پیشنهاد تصویب شد اجزا میشود و اگر تصویب نشد اجزا نمیشود اما راجع به تجزیه اینطور ما را سوق بدهند روی نقرات صحیح نیست اگر کسی دیگری غیر از آقای دشتی این حرف را میزند بنده میگویم صحیح است زیرا که ایشان مجرد بازگذاشتن هستند

نایب رئیس - آقایان محالا بهتر مائید رأی گرفته شود

نایب رئیس - آقایان محالا بهتر مائید رأی گرفته شود

آقای - این صحیح نیست همیشه رأی گرفته میشود

نایب رئیس - استنداعا میگویم چه بفرمائید همانطور که آقای کاظمی بیان فرمودند هیچ ملامتی ندارد که آقایان که این پیشنهاد را داده اند پیشنهاد خودشان را مشمول نمایند کی آقای یمین اسفندیاری قرار بدهند و رأی گرفته شود این اشکالی ندارد

هاشمی - بنده هم یکی از امضاکنندگان هستم اجازه بفرمائید؟

هاشمی - بنده به نظر آقای نقابت شریکیم و هر کس در پیشنهاد خودش آزاد است و ممکن دیگری بپوشاند او را تخطئه کند و پیشنهادش را برخلاف مقررات بگوید مخصوصا که بنده در شعبه بودم اگر مجلس اجازه داد جزایان شعبه را بمرخص میزنم تمام حکمیت کنند اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - آقای شریعت زاده شما هم در این پیشنهاد فرمایشی دارید؟ (شریعت زاده - بله) بفرمائید

شریعت زاده - عرض کنم که بنده اینطور تصدیق میدهم که يك اشتباهی شده است در بیان مطلب که رفع آن اشتباه در بیان مطلب مؤثر است باید دید که این پیشنهاد ناظر چه معنایی است این پیشنهاد ناظر باین معنی است که یکمده از آقایان نمایندگان عقیده شان بر بطلان انتخابات است پیشنهاد میکنند به مجلس که راجع باین موضوع رأی گرفته شود چرا برای اینکه میگویند مقدمه و ذی المقدمه مقدمه عبارت از جزایان اصل انتخابات است و تقاضا میکنند راجع به بطلان مقدمه که اصل انتخابات است رأی مخفی گرفته شود و تقاضای استیضاح تجربه مقدمه را از ذی المقدمه کرده اند نسبت به اصل انتخابات است و این مقایسه که آقایان در این موضوع با توجه دولت کردند و دولت نیست در لوایح دولت يك مقدمه است که دخلی بخود قانون ندارد و عملاً آقایان که در اینجا تقاضای تجزیه میکنند اینطور است که يك مرتبه با اصل جزایان انتخابات رأی گرفته شود و يك مرتبه هم بنمایند کی آقای یمین اسفندیاری در این صورت تقاضای رأی مجلس را میکنند و رأی مجلس در این موضوع قطعی است بنده بر این نظر هستم اشکالی ندارد که رأی گرفته شود بنده معتقدم که بمرخص میزنم تمام حکمیت کنند اما این پیشنهاد است که هیچگونه شرطی در این عقیده ندارم و برای آنکه مطلب روشن شود و اشکال قانونی و مطالبه های در این امر باقی نماند که بعد از روز چهارم واقع شود نمایندگان مجلس را بفرمائید که موضوع را چه پیشنهادی بفرمائید بنده در آن وقت حاضر نیستم به

امریکه هنوز در مجلس مطرح نشده چگونه میشود رأی به بطلان یا عدم بطلان آن داد باین جهت بنده خواهش میکنم که مجلس شورای ملی در این مورد توجهی بفرمایند

نایب رئیس - آقای دشتی

دشتی - اولاً آقای شریعت زاده حق پیشنهاد رأی مخفی ندارند برای اینکه اعتبارنامه ایشان نگذشته است

دکتر معظمی - چرا آقایان دارند

دشتی - عرض کنم که بعقیده بنده ملاک عمل مجلس نظامنامه است و سابقه و اینکه آقای نقابت فرمودند که وکیل حق دارد هر پیشنهادی بکند صحیح است ولی بشرط اینکه متباین با نظامات مجلس نباشد و الا مثل این است که هر دفعه مجلس بگوید که رأی اکثریت قانونی است و ما این نظر را تغییر بدهیم این يك انارشی بر مجلس حکومت خواهد کرد يك نظاماتی در دستمان است که باید مطابق آن نظامات عمل کنیم و آن این است که راپرتهای و گزارشها را از شعبه ما باید نسبت بآن گزارشها رأی بدهیم گزارشی که از شعبه رسیده است راجع بنمایند کی آقای یمین اسفندیاری راجع بشخص ایشان و علت اینکه نسبت بهر يك از نمایندگان هم باید جدا گانه رأی گرفت همین فایده را دارد در واقع مثل تجزیه میماند یعنی اگر مجلس تمام و کلای آنجا را رد کرد معلوم میشود که انتخابات آنجا را باطل میدانند اما اگر یکی را تصدیق کرد اینطور نیست که همه را تصدیق کرده باشد ممکن است بعضی را تصدیق و بعضی را رد کند پس معلوم میشود رأی بتك تك گرفتن عملی نرو صحیح تر است تا بطور کلی و بطور کلی رأی گرفتن راجع باین انتخابات معمول نبوده است دوره اول مجلس شورای ملی که نیست دوره چهاردهم است تا بحال هیچ وقت اینطور رأی گرفته نشده است همیشه بطور فرد فرد بوده است باین انتخابات جمع رأی گرفته نشده است همیشه باین انتخابات فرد فرد رأی گرفته شده از این جهت عرض میکنم که عملی نیست و مخالف نظامات مجلس است

نایب رئیس - پیشنهادی از طرف آقای اردلان رسیده قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم این موضوع در هیئت رئیسه مجلس بررسی و انتخابات بابل از دستور امروز خارج شود

نایب رئیس - آقای اردلان

اردلان - بنده عقیده ام این است که این موضوع مختلف فیه بین آقایان نمایندگان است و بهتر این است که این موضوع در هیئت رئیسه بررسی شود و دو مرتبه بیاید بمجلس

نایب رئیس - آقای دکتر معظمی

دکتر معظمی - بنده ماده ۵ نظامنامه را میخوانم ماده پنجم - پس از آنکه مخبرین راپرتهای شعب را در مجلس قرائت نمودند در مورد انتخاباتی که صحت آن را شعبات تصدیق نموده و در مجلس معارضی ندارند مجلس برای هر يك جدا گانه رأی میدهد و رئیس اسامی آنها تیکه صحت انتخاباتشان محقق شده اعلام میکند در صورتیکه راپورت شعبه مشعر بر عدم صحت انتخابی باشد یا اینکه در باب انتخاب شخصی از بین نمایندگان معارض باشد مباحثه آن در همان روزیکه راپورت قرائت میشود واقع نخواهد شد

بنابر این مطابق این ماده نظامنامه و سابقه که هست راجع به مجموع انتخابات نمیشود رأی داد و فقط آقایان میتوانند این پیشنهاد را که امضاء شده است تبدیل کنند برای مخفی باسم آقای یمین اسفندیاری

نایب رئیس - اشکالی ندارد ولی عده از آقایان نیستند که از آنها استعلام شود

نمایندگان - اسامی را یکی یکی بخوانید و از آقایان پرسش شود

نایب رئیس - آقای رستم کیو شما برای خودتان باقی هستید؟

رستم کیو - بنده پس میگیرم

نایب رئیس - آقای فرود شما برای خودتان باقی هستید؟

فرود - عرض کنم حضورتان بنده که این پیشنهاد را امضاء

هستند بر این پیشنهاد برخی غایب هستند عده دیگر قضیه را معطوف کرده اند به موضوع انتخاب يك فرد در صورتی که بنده بعقیده خودم باقی هستم و عرض میکنم که مجلس در هر حال به مجموع انتخابات حق دارد رأی بدهد چون این قضیه حل نشده در این جلسه پیشنهاد ختم جلسه را میکنم
نایب رئیس - مخالفی نیست با این پیشنهاد؟ (گفته شد خیر) اسامی دو نفر نماینده که برای هیئت نظارت اسکناس انتخاب شده اند قرائت میشود

(راپرت کمیسیون توسط آقای هاشمی (منشی)

بشرح زیر قرائت گردید):

ریاست عالی مجلس شورای ملی . نتیجه استخراج آراء راجع بانتهاب دو نفر ناظر ذخیره اسکناس بانك ملی متخذ در جلسه سوم اردی بهشت ماه /۱۳۲۳ از هشتاد و هفت ورقه آراء مأخوذه آقای نراقی با کثرت ۵۳ رأی و آقای بوشهری با کثرت ۶ رأی انتخاب شده اند آقایان زیر هم باین ترتیب دارای رأی بوده اند:

آقای نبوی	۲۰	رأی
» دکتر اعتبار	۱۸	»
» اردلان	۹	»
» ساسان	۶	»
» خلیل دشتی	۳	»
آقای کاظمی	۳	رأی
» دکتر شفق	۲	»

آقایان امینی - هاشمی - عماد تربتی - بهادری -
 دکتر معظمی - بهبهانی - هر يك يك رأی داشته اند
نایب رئیس - بنابراین آقایان نراقی و بوشهری از طرف مجلس انتخاب شده اند

[۵ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه]

جلسه را ختم کنیم و جلسه آینده به روز پنج شنبه هفتم اردی بهشت سه ساعت قبل از ظهر معین میگردد
نایب رئیس مجلس شورای ملی - امیر تیمور

کردم نظرم مخالفت با آقای یمین اسفندیاری نبوده و نسبت بشخص ایشان هم نظری نداشتم بلکه بنده اطلاعاتی داشتم راجع بانتهابات بابل و عقیده داشتم که جریان انتخابات آنجا صحیح نشده و بهتر است باطل شود و چون پیشنهاد بهمین مضمون در اینجا شده بود بنده پیشنهاد را امضاء کردم و الا بشخص بنده نظری ندارم؟

اقبال - پس پیشنهاد خودتانرا پس گرفتید

نایب رئیس - آقای فرود پس گرفتید یا باقی هستید؟

فرود - عرض کردم بنده بانتهابات نظر داشتم باشخص

آقای یمین اسفندیاری کاری ندارم موضوع انتخابات بابل بود که صحیح است یا خیر این پیشنهاد را بنده از این جهة امضاء کردم

نایب رئیس - پس باامضای خودتان باقی هستید؟

فرود - بله

نایب رئیس - آقای فرود پیشنهاد شما بقوت خودش

باقی است آقای عماد تربتی شما برای خودتان باقی هستید؟

عماد تربتی - پیشنهادی که شده بود راجع بانتهابات

بابل بود هیچ نظری بشخص آقای یمین اسفندیاری نبود و البته چون ۳ نفر نماینده داشت نسبت به مجموع این تقاضا شده بود و ۲ نفر دیگر هم بوده و آقای یمین هم یک نفر دیگر از این نمایندگان بودند در مجموع نمایندگان درخواست شده است و نظر به شخص نبوده است و فقط آقای یمین یکی از آن ها هستند بنابراین بنده به عقیده خودم باقی هستم

نایب رئیس - چهار نفر از ۱۶ نفر امضاء کنندگان

غایب هستند اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم کنیم

یمین اسفندیاری - تکلیف را معین بکنید

اردلان - به پیشنهاد بنده رأی بگیریید

نایب رئیس - آقای هاشمی

هاشمی - توضیح بنده زیاد نیست الان امضاء

کنندگان این ورقه سه قسمت منقسم شده اند عده ای باقی